

این شرحی نهایت

خداوند از بندهای که پس از خوردن لقمه‌ای
غذا یا آشامیدن جرعه‌ای آب او را سیاسی
می‌گوید، خشنود می‌گردد.
حضرت محمد(ص)

روزگار سفته

دامن مکش به نیاز که هجران کشیده‌ام
نازم بکشی که نیاز رقیبان کشیده‌ام
شاید چو یوسفم بنوازد عزیز مصر
پاداش ذاتی که به زندان کشیده‌ام
از سیل اشک شوق دو چشمم معاف دار
کز این دو چشمه آب فراوان کشیده‌ام
جانا سسری به دوشم و دستی به دل گذار
آخر غمت به دوش دل و جان کشیده‌ام
دیگر گذشته از سر و سامان من میرس
من بی تو دست از این سر و سامان کشیده‌ام
تنها نه حسرت غم هجران یار بود
از روزگار سفته دو چندان کشیده‌ام
بس در خیال هدیه فرستاده‌ام به تو
بی خون و خانه حسرت میهمان کشیده‌ام
دور از تو ماه من همه غم‌ها به یک طرف
وین یک طرف که منت دونان کشیده‌ام
ای تا سحر به علت دندان نخفته شب
با من بگویی قصه که دندان کشیده‌ام
جز صورت تو نیست بر ایوان منظم
افسوس نقش صورت ایوان کشیده‌ام
از سرکشی طبع بلند است شهریار
پای قناعتی که به دامن کشیده‌ام
شهریار

تقویم تاریخ

رخداد

کشف جزایر ساندویچ (جزایر هاوایی) توسط جیمز کوک سیاح
انگلیسی (۱۷۷۸ میلادی)
اختراع نخستین خودروی جهان به نام ارابه کاتوسل توسط آر تور
کاتوسل فرانسوی (۱۸۷۴ میلادی)
آغاز به کار کنفرانس صلح پاریس در طی جنگ اول جهانی
در روسای (۱۹۱۹ میلادی)
شکست محاصره آلمان نازی در لنین گراد با سن
پترزبورگ کنونی از سوی قوای ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی
(۱۹۴۴ میلادی)

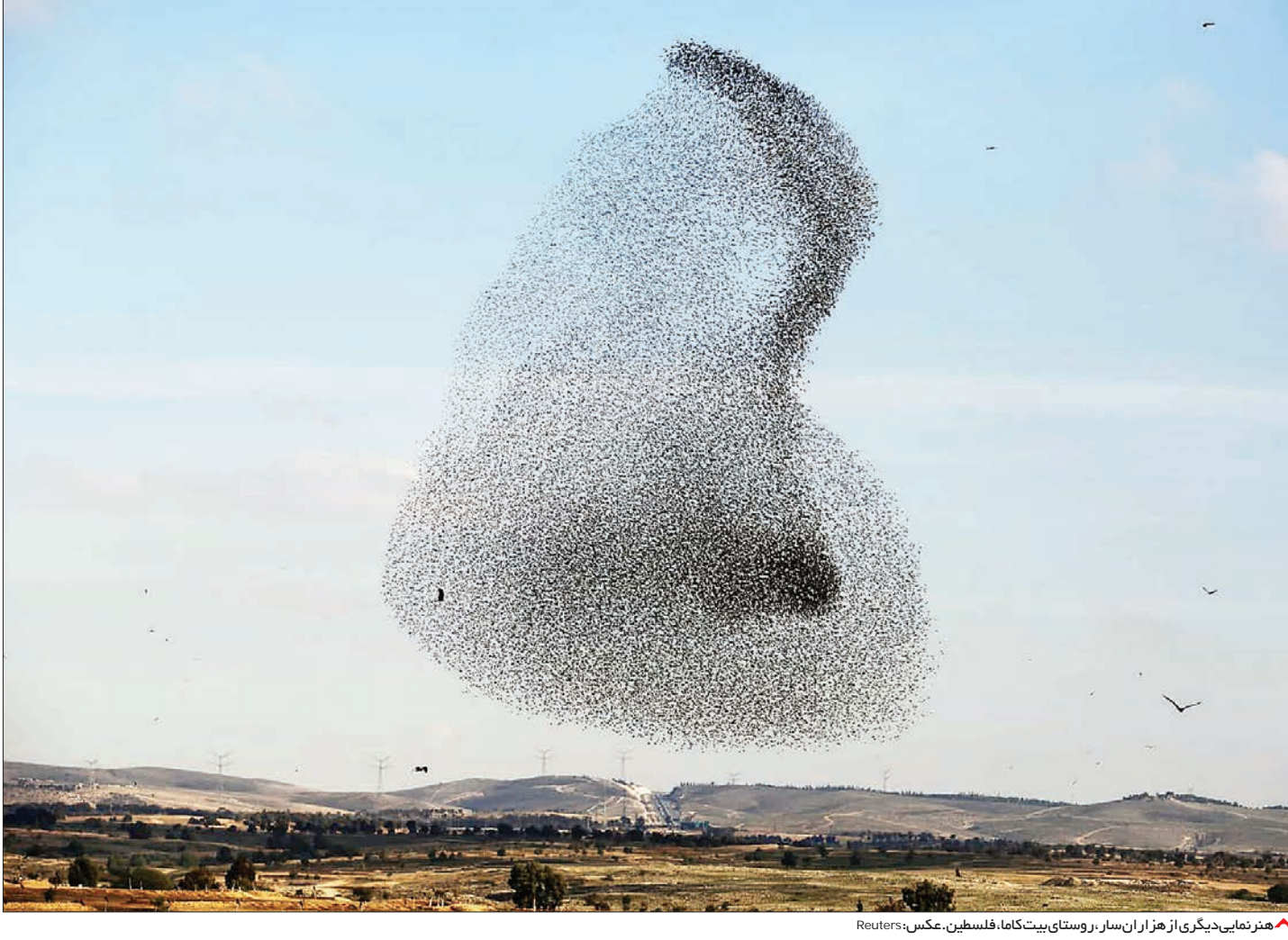
طلوع

کری گرانت - بازیگر آمریکایی انگلیسی، صاحب رده دوم برترین
هنرپیشگان مرد تاریخ سینما به انتخاب انستیتوی فیلم آمریکا
(۱۹۰۴ میلادی)
یوایچیرو نامبو - فیزیکدان ژاپنی - آمریکایی، برنده
جایزه نوبل فیزیک برای کشف مکانیسم شکست
تقارن در ذرات ریزاتمی (۱۹۲۱ میلادی)
ژیل دولوز - فیلسوف فرانسوی، پایه گذار مکتب
فلسفه درون ماندگار با دوری از تفکر متعالی، صاحب آثاری
چون: نیچه و فلسفه، منطق معنا فلسفه نقادی کانت (۱۹۲۵ میلادی)

غروب

جان تایلر - دهمین رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا از حزب
ویگ، بود در رأس کار مابین ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۳ خورشیدی مقارن با
سلطنت محمدشاه قاجار در ایران (۱۸۶۲ میلادی)
رودیارد کیپلینگ - نویسنده و رمان نویس اهل کشور
انگلستان با اصلیت هندی، برنده جایزه نوبل ادبیات سال
۱۹۰۷ میلادی، صاحب آثاری چون: مجموعه موجودات،
مستولیت انسان سفید، مرزها و تازها (۱۹۳۶ میلادی)
هوانگ ششیان فان - مورخ برجسته و از پیشگامان علم
مردم شناسی چینی (۱۹۸۲ میلادی)

قاب کوچک



هنرمندی دیگری از هزاران اسار، روستای بیت کاما، فلسطین. عکس: Reuters

در پچه

همسفر

قد و اندازه همان یک سلام بود. تا آن روز که صندلی
کنار پنجره اشغال بود و من بالاچار روی صندلی کنار
راهرو نشستم. ایستگاه بعدی مسافر صندلی کنار
پنجره پیاده شد و پسرک فی الفور آمد و خودش را
روی صندلی کنار پنجره جا داد. مثل همیشه بخار
روی شیشه پنجره را گرفته بود، کمی که گذشت،
شروع کرد با دست چپ روی شیشه بخار گرفته
نقاشی کردن، نقاشی‌های کودکانه، درخت و خانه و
ابر و خورشید و دودکش و دود. از همان‌ها که ما توی
دفترهای نقاشی بچگی هایمان می کشیدیم. کارش
که تمام شد، خودش را روی سر پنجه پای چپ بالا
کشید و دست چپش را تا جایی که می شد، کش داد و
بلند کرد بالای تمام آن نقاشی‌ها بزرگ نوشت «می»
تازه فهمیدم که عرب است. لیخند زدم و گفتم: «من
می دانم چه نوشته‌ای، این کلمه یعنی مادر». طولانی
نگاهم کرد، بعد سر انگشت اشاره‌اش را گرفت بالا و
گفت: «مادرم رفته به آسمان، پیش خدا... من مادر
نارم». یکهو خنده ماسید روی لب‌هایم، بغض کردم،
دست پایم یک رخدمی، دانستم چه بگویم، بلند نمودم
که دلدار باش بدهم، واژه کم داشتم. ایستگاه بعد
کیفش را برداشت و بدون خداحافظی از قطار پیاده
شد، هیچ وقت نفهمیدم من این موقع هالال می شوم.



مریم مریم سعید زادگان
نویسنده

هر روز سر یک ساعت معین همدیگر را می دیدیم.
من کالج می‌رفتم و او مدرسه. هم‌مسیر بودیم.
هر روز چیزی حدود ۲۰ دقیقه با هم در یک قطار
همسفر بودیم. به نظر ده یازده ساله می آمد و معلوم
بود که بیمار است. پای راست و دست راستش سالم
نبود، یکی را روی زمین می کشید و دیگری همیشه
بی حرکت، کنار تنه‌اش آویزان بود. اولین بار وقتی
دید خانمی از من آدرس می پرسد و من گیج نگاهش
می‌کنم، توجهش جلب شد و به کمک آمد. از آن روز
به بعد دوست شدیم و هر وقت همدیگر را می دیدیم،
لبخندی می‌زدیم و سری تکان می‌دادیم و سلامی
می‌کردیم. آخر دسامبر بود و هوا سرد، گرمای داخل
قطار باعث می شد همیشه شیشه پنجره را بخار بگیرد.
من کنار پنجره می‌نشتم و شیشه بخار گرفته را با
دست پاک می‌کردم و به ایران فکر می‌کردم. او هم
مثل من همیشه توی فکر بود، معلوم نبود به چه فکر
می‌کند. بین مان حرفی ردوبدل نمی‌شد و دوستی مان

نفس عمیق



محمود محرابی

آن بیرون، هیچ چیزی مهم نیست

دقایقی کوتاه، اثرات ناگوار بر جسم و روان
انسان می‌گذارد. استرس، خشم و عصبانیت‌های
زود هنگام، تنها بخش ناچیزی از آثار مضر ورود
به دورهای پرفشار کاری هستند. واقعیت این
است که ما به دلیل عدم آگاهی، به سادگی خود
را در رودخانه استرس و خشم قرار می‌دهیم. و با
تمام قوا سعی می‌کنیم تا با دست‌وپا زدن خود را
از این رودخانه وحشی خلاص کنیم. عدم آگاهی
ما از آرایش درونی که همیشه همراه ماست،
بهبانه‌ای می‌شود که خود را قریانی این استرس‌ها
بی‌قراری جسم و جان ما می‌شود، چیزی بیشتر
از یک نگرانی نیست. نگرانی همیشه ریشه‌ای در
آینده دارد و آینده نیز نامشخص است. خواسته
ما این است که امور در سریع‌ترین زمان ممکن
و بدون مشکل به نتیجه برسند و به محض بروز
مسأله‌ای در این روند، حال ما دگرگون می‌شود.
تمامی این امور، تنها موقعیت‌ها و وضعیت‌های
گذرای هستند که ما به آنها اعتبار مهم بودن و
یابی اهمیت‌بودن می‌دهیم. میزان اعتبار بخشی
و ارزش‌گذاری به این امور از طرف ما رابطه

از هر دری سخنی

بند به نادان

یک شکارچی، برنده‌ای را به دام
انداخت. برنده گفت: «ای مرد بزرگوار!
تو در طول زندگی خود گوشت گاو و
گوسفند بسیار خورده‌ای و هیچ وقت
سیر نشده‌ای. از خوردن بدن کوچک
من هم سیر نمی‌شوی. اگر مرا آزاد
کنی، سه پند از زشمنند به تو می‌دهم
تا به سعادت و خوشبختی برسی. پند
اول را در دستان تو می‌دهم. اگر آزادم
کنی، پند دوم را وقتی که روی بام
خامهات بنشینم به تو می‌دهم. پند سوم
را وقتی که بر درخت بنشینم. مرد
قبول کرد. برنده گفت: «پند اول اینکه
سخن محال را از کسی باور مکن.» مرد
بلافاصله او را آزاد کرد. برنده بر سر بام
نشست. سپس گفت: «پند دوم، هرگز
بر چیزی که از دست دادی حسرت
مخور.» برنده روی شاخ درخت پرید
و گفت: «ای بزرگوار! در شکم من یک
مورایید گرانبها به وزن ۱۰ درم هست.
ولی متأسفانه روزی و قسمت تو و
فرزندانت نبود. و گرنه با آن ثروتمند و
خوشبخت می‌شدی!» مرد شکارچی
از شنیدن این سخن بسیار ناراحت شد
و آه و ناله‌اش بلند شد. برنده با خنده به
او گفت: «هرگز تو را نصیحت نکردم که
بر گذشته افسوس نخوری یا پند مرا
نفهمیدی یا کر هستی! پند اول این بود
که سخن ناممکن را باور نکنی. ای ساده
لوح! همه وزن من ۳ درم بیشتر نیست،
چگونه ممکن است که یک مرد بارید ۱۰
درمی در شکم من باشد؟!» مرد به خود
آمد و گفت: «ای برنده دانا پندهای تو
بسیار گرانبهاست. پند سوم را هم به من
بگو.» برنده گفت: «هرگز به آن دو پند
عمل کردی که پند سوم را هم بگویم؟»
و پرزد و رفت.

راست و دروغ

پادشاهی قصد کشتن اسیری کرد.
اسیر در آن حالت نامیدی شاه را دشنام
داد. شاه به یکی از وزرای خود گفت: «او
چه می‌گوید؟» وزیر گفت: «به جان
شما دعای می‌کند.» شاه اسیر را بخشید.
وزیر دیگری که در محضر شاه بود گفت:
«ای پادشاه آن اسیر به شما دشنام
داد.» پادشاه گفت: «تو راست می‌گویی
اما دروغ او بهتر از راست فتنه‌انگیز تو
بود که از قدیم فتنه‌اند: جز راست نباید
گفت، هر راست نشاید گفت!»

داستان‌های کوتاه به قلم خبرنگار جنگی

کتاب «پروانه و تانک» به همراه سه داستان کوتاه دیگر
همینگوی در ارتباط با جنگ داخلی اسپانیا با ترجمه
رضا قیصریه در یک کتاب آمده است. همینگوی درباره
جنگ‌های داخلی اسپانیا داستان‌های دیگری هم نوشته
است و رمان «ناقوس‌ها برای که به صدا در می‌آیند» نیز
در این ارتباط است. داستان‌های کوتاه همینگوی را
در واقع سبک گرمی او برای نوشتن این شاهکار می‌دانند.
رمان «خورشید همچنان می‌درخشد» در سال ۱۹۲۶ و



اثری دیگر با موضوع خور خه بور خسی



خور خه لوئیس بور خسی یکی از مهم‌ترین و
تاثیرگذارترین چهره‌های داستان‌نویسی آمریکایی
لاتین است که تأثیر زیادی بر داستان‌نویسی فارسی
نیز گذاشته است. بور خسی همواره برای اهالی داستان
در ایران از اهمیت برخوردار بوده است. او در مصاحبه با
ریچارد برگین در کتاب «خور خه لوئیس بور خسی آخرین
مصاحبه و گفت‌وگوهای دیگر» از خودش و زندگی ادبی و
داستان‌هایش رمزگشایی می‌کند. ریچارد برگین شرحی

بر گفت‌وگو خود با خور خه لوئیس بور خسی می‌نویسد. این شرح را که در ابتدای کتاب
آمده است، کیهان بهمنی مترجم کتاب ترجمه کرده است. ریچارد برگین می‌نویسد:
«روزی که خبردار شدم قرار است خور خه لوئیس بور خسی برای حضور در دانشگاه
کمبریج به آمریکا بیاید، با سرعت خودم را از چهارراه‌هاوار ده منزلم در چهارراه سنترال
رساندم، یعنی مسافت حدود دو کیلومتر را در کمتر از پنج دقیقه طی کردم. باقی تابستان
آن سال هم صرف آماده‌سازی برای ملاقات با بور خسی شد. هر کجا که می‌رفتم فقط از
بور خسی می‌گفتم. بعد از یکی از همین ملاقات‌ها بود که به این نتیجه رسیدیم که باید با
بور خسی دیدار کنیم.» در پشت جلد کتاب هم آمده است: «در این کتاب برای نخستین
بار ترجمه‌ای از آخرین مصاحبه خور خه لوئیس بور خسی همراه با بهترین مصاحبه‌هایی
که این شخصیت برجسته ادبی در طول دوران طولانی و پر رنگ کاری خود انجام داد،
گردآوری شده است. مصاحبه‌های معروف بور خسی در مقام استاد دانشگاه‌ها و رادینز در
این مجموعه گنجانده شده است.» کتاب «خور خه لوئیس بور خسی آخرین مصاحبه و
گفت‌وگوهای دیگر» با ترجمه کیهان بهمنی توسط نشر ثالث منتشر شده است.

پیشخوان

